

۱- سنای غزوی: شاعر قرن ۶ هجری قمری است. کتابهای او شامل کارنامه‌ی بلخ، حقیقه‌نامه (مکتب) و سیر العباد الی المعاد است.

تلمیح: در لغت به معنای به گوئی جمع نماند کردن است. رزمای است که نویسنده در نوشته خود آیه و حدیث و آیاتان مهدوی اشاره کند.

استعاره: همان تشبیه است که صبه یا ضربه آن حذف شده باشد یا استعاره از لغتی

به جای لغت دیگر برای زیباتر شدن شعر مثال: گریه ابرهاری  $\leftarrow$  ابرهاری مانند انسان گریه کند  
صند  $\leftarrow$  امانت  $\leftarrow$  صبه  $\leftarrow$  صبه  $\leftarrow$  صبه  $\leftarrow$  صبه

تشبیه: مانند کردن کسی یا چیزی به یکدیگر است. ارکان تشبیه: صبه، ضربه، امانت تشبیه، و صبه

۱- صبه: کلمه ای است که آن را به کسی یا چیزی تشبیه می کنند.

۲- ضربه: کلمه ای است که به صبه تشبیه می شود.

۳- امانت تشبیه: کلمه ای است که صبه و ضربه بلا وجه و مل می اند.

۴- وجه تشبیه: صفت یا ویژگی مشترک بین صبه و ضربه است.

۵- مکیه ابو القاسم فردوسی: شاعر نامی ایران در قرن چهارم هجری قمری است که در شهر نیشابور

به دنیا آمد. تنها اثری که از زودی باقی مانده است شانه است. شانه حاد صفتی است.  
این قالب شانه صفتی است.

صفتی: قالبی از شعری است که دارای ابیات زیاد است و برای بودن داستانها و  
ابیات طولانی کاربرد دارد. در این قالب حریب دارای هائیه ای جدالانه است.

یعنی شعر به نام خداوند جان و خرد است

۱- شعر را با نام خالق و آفریننده جان آغاز می کنیم که فکر انسان به چیزی بهتر از آن  
نرسد (مراعات نظیر: جان و خرد و اندیشه) (واج آرایی: حرف زرد)

مراعات نظیر: آوردن واژه هایی از یک دسته دیگر یا هم هماهنگی دارند این هماهنگی می تواند از نظر  
جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد.

واج آرایی: تکرار یک یا چند صامت یا صفت در شعر به گونه ای که آغز شده ی صوتی باشد.

۲- خداوند که مالک اسم و مالک مکان است و روزی دهنده و راهنمای هدایت ها است.  
(تکرار: خداوند) (واج آرایی: صفت - صامت خ)

تکرار: آری ای که در آن یک یا چند کلمه چند بار در شعر تکرار شوند به گونه ای که مایه زیبایی شعر شود.

۳- خداوندی که آسمان پر صندل با تمام سیاره‌های ماه شده ماه و ماهی و خورشید پنهان او روشن کرده است. (ترکیب و صنی: مخلوب: کردن بهر) (مرامات نظیر: کونک: سپهر، ماه، نامعب: صمد)

ترکیب و صنی: مخلوب: همراه جایی صفت و صومند با هم تغییر آمد و اسره بین این ترکیب صفت بود، ترکیب و صنی: مخلوب است.

۴- با چنان ظاهری خود تهرای دین آفریدگار را نداری پس خودت را آزار نده زیرا خداوند را با چشم دل باید بینی.

۵- فکر و اندیشه‌ی انسان نمی‌تواند شافی از خداوند داشته باشد زیرا خداوند بزرگتر از اندیشه مادی انسان است.

۶- هیچکس نمی‌تواند خداوند را آن گونه که شایسته است شایسته کند پس باید برای خدمت به خداوند همت و تلاشی زیادی داشته. (جناس: همت و بت)

۷- انسان دانا قادر به انجام هدی کارهاست و با دانستی حتی دل انان پیر هم جوان می‌شود. (تلمیح: بود) (مرامات نظیر: توانا، برتا، دانا) (تضاد: پیر و برتا)

ترکیب و منی: در ترکیب، همسوف و صفت پیک سرجمع قرار می‌گیرند.

۱- سعدی شیرازی: شاعر قرن هفتم هجری قمری است و اثری که آنها به نام حماسی بوستان و

لستان و دیوان سون که شامل نزهات، قطعات، رباعیات، ترجیع بند و قطعات آموخته از

ون - یادگار ماندگار است. بوستان یا سعدی نامه نخستین اثر سعدی است که در قالب مثنوی و در ۱۵ باب

سرو به شده است. لستان سعدی نظم آموخته به نثر که دارای نثری آشنایی است لستان در ۱۵ باب

و در حکایت‌های انلان و آریبی نگاشته شده است.

معنی "سر آفرینی همه تنبیه خداوند دل است" ص ۳۳ - دبی اول -

۱- زمانی که صفت سب در روز یکسان است، روشن به صرا و قاشای زیبای های بهار لذت یعنی

است. [با صداد: اول صبح] (تعداد: لیل و نهار) (جایی: نهار و بزم) (اغازه امثله: دایم معرا)

۲- تمام پدیده‌های هستی برای هدیه گرفتن انسان‌های فرومنه است و کسی که با نام این نمانده

خوارند از انظار کند، بی احساس و نامهربان است. [تنبیه: بیدار کردن - آفرینی: بزم هستی - خدایه

دل: صاحب فرد] (نقدار: خداوند، نهار، دل) (همه صمیم: کسی که)

۱- با این همه نفس و شمار کجیب که در عالم هستی وجود دارد، اگر کسی بخالت آن دعا کند نلند ماتند

فتاوی (وی دیوار لبی جان است) [نفس کجیب: نشو و نماهای بیب - کدلت: نلند] (ارو دیوار:

مرامات نظیر) (جاس ناقص: برودر) (اضار: <sup>و آبی</sup>) دیوار وجود

۲- تمام آسمان ها و زمین و حرآیند در آن عالم، خداوند را ستایش می کنند اما هر سئوفا می این

را فرادک نمی کنند. [تسبیح: تسلی - صتمع: سئوفا] (مرامات نظیر: کوه دریا و در مکن) (تلمیح:

آیه یقین سو اسراء)

۳- آیا خبدراری که پرنده ای که سرگرد آوازی خواند می گوید ای که که خوابید ای سر از خواب نادانی

بردا و آگاه باشی. (تجسین: مرغان سر میزند) (مرامات نظیر: خواب و سر و دست) (افان: تیس: فرج: بدلت)

۴- تا آنی ماتند، بنفشه، همه خود را در عظمت به سر می بوی، حیف است که تو تمام همه خود را در بی خوبی

هستی و گل نری، آگاه و بیدار است. (مرامات نظیر: بنفشه و زری) (قصه: خواب و بیدار) (تجسین: لوسا) (افان: نظیر: <sup>بنا</sup>) (بناس: برودر) (مغز)

۵- در ادبیات فارسی، بنفشه ناد غفلت و گل نری ناد آگاهی و بیداری است. خاطر نظر سانه یکسان

۶- چلی می تواند از چوب، صید، های زنگارند، تولیه کند و یا پوس می تواند از بوی خله، علی بارک های زیاد

بازد. [الوان: زنگارند] (مرامات نظیر: صید، چوب، برودر) (نفسه: گل و خار) (استفهام: انگاری)

(ضمیمه: ک)

\* ۸- عقل از زیبایی های خدایی ملائیکه اندوز، سلفت زینم شود و از دور زیبایی دانه های اندر که

مانند یا قدرت گران بسیار صدوتیغ حواصرت است، ناتوانی است. [حقه: منوقتیه بدالوت - زین: ظلی

عجب: اندر - حیرت: سلفت زین] [مرایات نظیر: عجب، خسته، امار] (و منی: خوشه زین) (افغانی: حقیقت) (لمانی: یا قدرت اند)  
افغانی تشبیه

۹- خداوند پاک و مغزه است که به فریان او، ماه و خورشید و شب در روز، فریاد برادر او است. [صفا: نام شده]

۱۰- امر عسی مردم تا روز قیامت از لطف و کرم او سخی بگویند، باز هم از هزاران لطف در رحمت خداوند

یکی رسم نمی توان بیان کرد.

۱۱- خدایا نعت های که به مادادی بی شمار است و هیچ کس نداند که تا چند قدر دان نعت های بدیدند.

[انعام: نعت ما]

۱۲- ای سعدی، انسان های در شکل به سعادت و خوشبختی می رسند، تو هم انسانی در شکل و با شکوه زیر آسمان

بد رفتاری به هدف و مقصودش نمی رسد.

اسرار التوحید: پس از ۱۳۱ سال پس از مرگ ابو سعید ابوالخدیج توسط یکی از نوادگان او به

نام محمد بن الهندی، نقل شده که در ۱۳۱ باب است که فریاده در باب دوم به احوال ابو سعید ابو الهندی  
برداشته است.

قصیده: قالب شعری است که صمد اول در بیت اول با صمد هفتم دوم هفتم بیت ها  
هم قافیه است.

اشعار حلی صوائف: اشعار که در آن، شاعر به بند و نصیحت خواننده می پردازد.

۱- بناس طام: دو کلمه از لحاظ حرف با هم کاملاً یکسان اند، اما از لحاظ معنی متغایرند.

۲- جناس ناقص: در جناس ناقص، دو کلمه هم از لحاظ معنی و هم از لحاظ یکی از حرف، با هم متغایرند.

ضمیر صمیم: ضمیرات که به شخصی یا متعار مبینی دلالت می کند

استفهام انکاری: اگر شاعری پیامی را به صورت پرسش بیان کند به گونه ای که متعار صراحتاً نباشد بلکه

به منظور ایجاد تأکید از سؤال استفاده نماید.

کلیات سعادت: اشعار است درباره ای اصول اسلام که دارای شکرگش است و جملات آن بسیار بار

دروان است و از دید دینی همانان، کوتاهی جمله است، زیاده فعل ما و تکرار فعل ملوکانه حال در (تکرار)

معنی کلمات درسی (۲)

بر و بعد: مکّه و دریا

نباتات: گیاهان گوناگون

صنعت: آفرینی

باط: فرس

هوس مزح: زلیخا کبان

صنعت: ابر